



سوتلانا آکساندرونا آکسیویچ

نیایش چرنوبیل

رویدادنامه‌ی آینده

ترجمه از روسیه الهام کامرانی

سرشناسه: الکسیویچ، سوتلانا الکساندرونا، ۱۹۸۰ م
Aleksievich, Svetlana

عنوان و نام پدیدآور: نیایش چرنوبیل: رویدادنامه‌ی آیند / سوتلانا الکسیویچ
الکسیویچ؛ ترجمه‌ی الهام کامرانی

مشخصات نشر: تهران، نشر چشمه، ۱۳۹۷

مشخصات ظاهری: ۳۴۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۶۸۰-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Чернобыльская молитва хроника будущего

یادداشت: کتاب حاضر در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت ترجمه و منتشر شده است.

موضوع: حادثه‌ی هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶ م -- خاطرات بلاروسی

موضوع: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986 -- Social aspects -- Belarus

موضوع: حادثه‌ی هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶ م -- روسیه‌ی سفید -- جنبه‌های اجتماعی

موضوع: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986 -- Social aspects -- Belarus

موضوع: حادثه‌ی هسته‌ای چرنوبیل، اوکراین، ۱۹۸۶ م -- روسیه‌ی سفید -- جنبه‌های زیست‌محیطی

موضوع: Chernobyl Nuclear Accident, Chernobyl, Ukraine, 1986 -- Environmental aspects -- Belarus

شناسه‌ی افزوده: کامرانی، الهام، ۱۳۶۲، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۵ / ۱۸۶ TD

رده‌بندی دیویی: ۹۴۷۷۶ / ۱۷۹۹۰۳۶۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۵۲۴۲۶۸۹

رده‌بندی نشر چشمه: ادبیات - ادبیات غیرداستانی

نیایش چرنوبیل
- رویدادنامه‌ی آینده -
سوئلانا آلكساندرونا الكسيويچ
ترجمه‌ی الهام کامرانی
ویراستار: مهدی یزدانی خرم

مدیر هنری: مجید عباسی
چاپ و صحافی: دارا
تیراژ: ۷۰۰ نسخه

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هر گونه اقتباس، استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازه‌ی کتبی ناشر است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۲۲۹-۶۸۰-۱

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، کاردر شمال - ماطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲.
تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ - کتابفروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای
شیرازی، شماری ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ - چاپفروشی نشر چشمه‌ی کوش: تهران، بزرگراه ستاری
شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کورن - چشمه‌ی بجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۸ -
کتابفروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، با - اردی - سیده به بزرگراه نیایش، خیابان
حافظی، نبش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه ۲. تلفن: ۷۰۰۹۴۵۴ - کتابفروشی
نشر چشمه‌ی رایزن: تهران، خیابان نیاوران (باهر)، بعد از سه‌راه پاسر (به سمت تهرانش)، ک ۳۱۱. تلفن:
۲۶۸۵۴۱۳۵ - کتابفروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه - سیرینی، ری بابل. تلفن:
۳۲۴۷۶۵۷۱ (۰۱۱) - کتابفروشی نشر چشمه‌ی پریس: تهران، خیابان پاسداران - پشته سحر، یکم،
مجتمع پریس، طبقه دوم. تلفن: ۹۱۰۱۲۵۸ - کتابفروشی نشر چشمه‌ی دانش‌دگان: مشهد، دانشگاه، رکت
۱۸ و ۲۰ (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) - بخش کتاب چشمه:
تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

فهرست

۹	مقدمه‌ی مترجم
۱۵	ارجاعات تاریخی
۲۱	صدای تنهایی بشری
	مصاحبه‌ی نویسنده با خود در باره‌ی داستان از قلم افتاده
۴۱	و این که چرا چرنوبیل جهان‌بینی را اسپرینگر می‌کند
	فصل یک
۵۵	زمین مُردگان
۹۹	هم‌سرایی سربازان
	فصل دو
۱۲۱	تاج آفرینش
۲۱۲	هم‌سرایی مردم
	فصل سه
۲۲۵	حیرت از غم
۳۱۳	هم‌سرایی کودکان
۳۲۴	صدای تنهایی بشری
۳۳۸	به جای سخن آخر

مقدمه‌ی مترجم*

الکسیویچ قهرمان نویس است، مستندنویس تاریخ شفاهی است؛ به همین خاطر اعطای جایزه‌ی نوبل به او به ما برای روس‌زبان‌ها که برای تاریخ ادبیات جهان حایز اهمیت است، نوشته‌های الکسیویچ صدای مردم عادی است که از میان تاریخ‌های رسمی و خشک، حقایق و نام‌سیاست‌داران بیرون افتاده است. همین‌طور که دبیر دائمی آکادمی ادبی سوئد، سارا نیوس کارمای او را «تاریخ احساسات انسانی؛ تاریخ روح» نامید؛ آثار او «تاریخ ثبت نشده‌ی جست‌وجوی عمیق سختی‌ها»، «روایات چندصدایی که یادآور محنت و شجاعت دلیران در زمانه‌ی ما هستند» است. جریان‌های بسیاری انتخاب سوتلانا الکسیویچ را سیاسی می‌دانند. اما تأمل در کار نویسنده‌ای که از جنگ بیزار است و از جنگ می‌ترسد، آن هم در دورانی که شعله‌های جنگ هر روز در گوشه و کنار دنیا جان بسیاری را می‌گیرد، مبارزه‌ها، نفرات را آواره می‌کند، پاسخی به تردیدهای این جریان‌هاست. امروزه شبهه‌های خبری پُر از عکس‌های زنان و کودکان بی‌پناه است و نویسنده‌ی کتاب جنگ چهره‌ی زنانه‌ی ادبی به عنوان برنده‌ی نوبل ادبیات انتخاب می‌شود تا شاید برای لحظاتی نگاه‌ها را از خواب بی‌تفاوتی بیدار کند. الکسیویچ در کنفرانس خبری‌اش در مینسک، پایتخت بلاروس گفت: «جنگ‌های کنونی که این‌گونه به سرعت و بدون فکر (تنها با کمک تلویزیون)

* برای نوشتن این یادداشت از بخش‌هایی از مقاله‌ی «به افتخار ذهن زیبای روس» که پیش از این مترجم در هفته‌نامه‌ی صدا منتشر کرده بوده، استفاده شده است.

برافروخته می شوند، دربردارنده‌ی این پیام هستند که دنیا نه تنها نیک نیست که بدوی و ترسناک است. مردم راحت و بارغبت آماده‌ی کشته شدن هستند.» و در جای دیگری می گوید: «بی شک جهان برای ما وسیع تر از جنگ است. این روزها ما شاهد شکل گیری مفاهیم تازه‌ی غیر منتظره‌ای هستیم؛ مفاهیمی که پیش از این هرگز نمی دانستیم و وقتی همه این گونه از جنگ می گویند، به ذهن انسان خطور می کند که چگونه می توان عمیق تر کنه آن پی برد. چه طور آدم های می توانند با این تفکر و به روی یکدیگر بایستند و یکدیگر را از بین ببرند؟ اگر من این روزها از جنگ می نویسم و می خوانم، برای این است که می خواهم از انسان بدانم؛ انسانی که خوشبخت است و نمی تواند آدم بکشد. چندی پیش یک مجله سه ساله ای شنیدم که می گفت برای چه این شنل آبی احمقانه، این چکمه های خنجر آلوده و بروم بمیرم؟ من نمی خواهم بمیرم! نه برای نفت، نه برای جغرافیای وسیع دشت، نه برای وطن. من فقط می خواهم زندگی کنم. عشق بورزم. با طلوع خورشید برخیزم و از پاره نگاه کنم که ریل های تراموا می درخشند و مردمان صبح در رفت و آمدند... آیا این که هست؟ فقط زندگی کنی! چه غمی دارد این کلمه ها. اما ما مردمان فرهنگ جنگیم، فرهنگ سنگر و فرهنگ دردورنج. آن چه ما را در آغوش لطیف وحشی اش محکم نگه داشته است و آزاد نمی کند. به نظرم می آید که من از جنگ می نویسم اما همیشه دلم می خواهد از جنگ دیگری بنویسم.» و در آخر جهان خوب روسی، «جهان انسانی روس، همان جهانی است که تاکنون برای ادبیات و باله و موسیقی پرستش کرده اند، بله، من عاشق چنین زیبایی هستم اما من جهان استالین، پوتین و شایگورا دوست ندارم. این دنیای من نیست.»

سوتلانا الکسیویچ فرزند جهان است. او در ۳۱ مه ۱۹۴۸ از مادری اوکراینی و پدری بلاروسی در ایوانو فرانکفسک اوکراین به دنیا آمد. کودکی اش را در بلاروس گذراند و در جوانی برای مدت طولانی در ایتالیا، آلمان، فرانسه و سوئد زندگی کرد. سال ها در روزنامه ها و مجله های اتحادیه ی جماهیر شوروی و بلاروس نویسندگی و روزنامه نگاری کرده است. نویسنده ی بلاروسی که روسی فکر می کند و می نویسد، این روزها در غرب به «تاریخ دان تمدن سرخ» معروف شده است. موضوع اصلی آثار سوتلانا الکسیویچ

جنگ است؛ جنگ اتحادیه‌ی جماهیر شوروی در افغانستان، حادثه‌ی چرنوبیل به مثابه‌ی استعاره‌ی جنگ و جنگ انسان با ناشناخته‌ها.

آثار سوتلانا الکسیویچ تا به امروز به بسیاری از زبان‌های زنده‌ی دنیا ترجمه شده که شمار مجموعه‌ای از آن‌ها به میلیون‌ها نسخه می‌رسد؛ نوشته‌هایی که برای هر کدام سال‌ها زمان گذاشته، با انسان‌های بسیاری از نسل‌های گوناگون ملاقات کرده، از تجربیات‌شان جو یا شده و اطلاعات صدها نفر را کنار هم چیده است. نوشته‌های سوتلانا 'پژواک' صدای مردمان انقلاب، جنگ و اردوگاه‌های استالینی است: «تاریخ آرمن‌ها بر ترسناک و غول‌آسا - ایده‌ی کمونیسم است که در نهایت نه‌تنها در روسیه و بلکه در تمام این‌ها بین نمی‌رود.» یا «مردم بعد از مرگ استالین شروع کردند به لبخند زدن تا قبل از آن احتیاط، بی‌لبخند زندگی می‌کردند.» نویسنده‌ی برگزیده‌ی نوبل ادبی درباره‌ی «تاب سبک» نویسنده‌ی خود این‌گونه می‌گوید: «مدت‌های زیاد به دنبال سبکی بودم که پاسخ باشد به این‌که من دنیا را چگونه می‌بینم. چشم و گوش من چگونه ساخته شده است. خودم را امتحان می‌کردم و برای همین سبک صداهای انسانی را انتخاب کردم. کتاب‌هایم را در خیانت بینم و اسم‌شان را می‌شنوم؛ از پشت پنجره. در آن‌ها آدم‌های واقعی حوادث مهم مانده‌ی خودشان را تعریف می‌کنند. جنگ، فروپاشی امپراتوری سوسیالیستی، چرنوبیل و همه‌ی آن‌ها در کلمه باقی می‌مانند؛ در تاریخ کشورها، تاریخ مشترک قدیم و جدید. و در عین حال هر کدام از آن‌ها در تاریخ سرنوشت انسان‌های کوچک نیز به جای می‌مانند.»

از میان کسانی که بیش‌ترین تأثیر را بر سوتلانا الکسیویچ گذاشته‌اند سوتلانا فلد، چنکا، پرستاری که از سختی‌ها و چگونگی گذران زندگی سربازان در سال‌های جنگ جهانی اول نوشته است، و آلیسیا آداموویچ، از وقایع نویسان محاصره‌ی لنین‌گرا، را می‌توان نام برد. آداموویچ و نویسنده‌ی همراهش، دنیل گرانین، همان کاری را در زمان خودشان انجام دادند که الکسیویچ در آثارش به نمایش می‌گذارد. آن‌ها داستان‌های بسیاری را لایه‌لایه غربال کردند و خاطرات مردمی را که می‌شد از میان مقاله‌های روزنامه یا میان آهنگ‌های وطن‌پرستانه یافت از نظر گذرانند و به عمق خاطرات شخصی مردم درباره‌ی

محاصره رسیدند. آداموویچ اعتقاد داشت که نوشتن از تراژدی‌های قرن بیستم با زبان و نثری هنری و ادبی اهانت به احساسات مردم است. آن‌جا که سخن از حوادث، جنگ‌ها و تراژدی‌های شخصی به میان می‌آید، جایی برای زبان‌بازی باقی نمی‌ماند؛ کاری که آداموویچ و در پی آن سوتلانا الکسیوویچ انجام دادند. آن‌چه برای کمیت‌ی نوبل مهم بود اهمیت اجتماعی متن و پس از آن کیفیت هنری‌اش بوده است. اما در عین حال می‌توان گفت کاری که الکسیوویچ در آثارش انجام می‌دهد، سخت و متفاوت با آن چیزی است که نویسندگان نسل قبل از او انجام داده‌اند. او مصرانه از تاریخ حوادث و وقایعی می‌گوید که عمده‌ترین دست‌نخورده‌های سبزه‌ساز شده بودند؛ گردآوری آن‌چه در جنگ اتحادیه‌ی جماهیر شوروی در افغانستان رخ داده است تا حادثه‌ی چرنوبیل و بازه‌ی زمانی بعد از فروپاشی جماهیر شوروی. می‌توان گفت که او می‌گوید:

الکسیوویچ درباره‌ی اژدها می‌گوید: «من جهان کتاب‌هایم را از هزار صدا و سرنوشت، و تکه‌هایم از وحشت و هستی چیده‌ام. من هر کتابم را در مدت چهار تا هفت سال می‌نویسم و تقریباً با صد تا هفتصد نفر ملاقات می‌کنم، حرف می‌زنم و یادداشت برمی‌دارم. تاریخ من برای دهه‌ی نود میلادی کافی است؛ تاریخی که آغازش با داستان‌های مردمی است که انقلاب را با یاسارید، جنگ، اردوگاه‌های استالینی را از سر گذرانده‌اند. وقایعی که تا این روزهای دهه‌ی نود می‌درند.» تقریباً صد سال؛ تاریخ روح، روح روسی و یا دقیق‌تر «روح روسی-شوروی» که نود می‌باشد از روح حاکم بر ذهن روسی می‌گوید و معتقد است برای مردم روسیه مقیاس اصلی وحشت، همسنگ زندگی است. «ما یا در جنگ بودیم یا برای جنگ آماده می‌شاییم. در هر صورت هیچ‌گاه زندگی نکردیم. ما حتی به چیزی شک نمی‌کردیم. همان قدر که ما مردمان جنگ هستیم، قهرمانان ما، ایده‌آل‌های ما، تصورات ما از زندگی نظامی بوده‌اند. همه‌ی ما در دهه‌ی نود این تصور را داشتیم که آزادی از جایی به دست خواهد آمد اما در واقع برای آزادی احتیاج به مردمان آزاد داریم، این مردم آزاد نیستند.»

نیایش چرنوبیل؛ رویدادنامه‌ی آینده‌ی تاریخ شفاهی فاجعه‌ی چرنوبیل است. «به فکر افتادم که چرا نویسندگان ما درباره‌ی چرنوبیل سکوت کرده‌اند و کم می‌نویسند،

همچنان از جنگ و اردوگاه‌ها می‌نویسند اما درباره‌ی چرنوبیل سکوت کرده‌اند؟ گمان می‌کنید این سکوت اتفاقی است؟ اگر ما در چرنوبیل برنده می‌شدیم، از آن بیش‌تر می‌نوشتند و می‌گفتند. یا حتی اگر ما آن را فهمیده بودیم. ما نمی‌دانستیم چه‌طور از این کابوس معنایی استخراج کنیم. قابلیتش را نداشتیم. زیرا آن را نه با تجربه‌ی انسانی مان و نه برای زمانه‌ی انسانی مان می‌شد اندازه گرفت. پس کدام بهتر است: به خاطر داشتن یا از یاد بردن؟ متن کتابی که در دست دارید برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ در مجله‌ی دروژدا (ارودان) منتشر شد و بلافاصله در همان سال ترجمه‌ی انگلیسی کتاب منتشر و در سال ۲۰۰۰ موفق به دریافت جایزه‌ی انجمن ملی منتقدان کتاب آمریکا شد.

سابلانا الکسویچ در طی ده سال با بیش از پانصد شاهد حادثه از جمله آتش‌نشانان، نیروهای ماکسازی، سیاست‌مداران، پزشکان، فیزیکدانان و شهروندان عادی صحبت کرد. کتاب شرح تراژدی حادثه‌ی چرنوبیل و اثر آن بر روح و روان و زندگی آدم‌هایی است که از آن نه جان به در برده‌اند.

کتاب حاضر ترجمه‌ی مستقیم از کتاب *Чернобыльская молитва* است. ارجاع به منابع و توضیح اصطلاحاتی که ذکر شده است، درک بهتر موضوع ضروری می‌نمود با ذکر شماره در پاورقی آمده است. سرآخر بنا دارد از کمک‌های بی‌دریغ دوست عزیزم آگنا کاراوایکینا سپاس‌گزاری کنم.